

قرائت

دکتر راضیه شیرینی
دبیر آموزش و پرورش

اختلاف قرائت ابریکثیر

علل و عواملها

اشاره

و نقصانی حفظ کنند و به خاطر بسیارند. در زمان پیامبر(ص) گروهی از مسلمانان و اصحاب ایشان با اجازه و دستور پیامبر، به تعلیم و تعلم قرائت قرآن پرداختند.

صحابیونی که قرآن را نزد شخص پیامبر(ص) آموخته بودند، مرجع مسلمانان دیگر قرار گرفتند و مسلمانان دوره‌های بعد، قرائت قرآن را به طریق نقل از صحابه و تابعین و شاگردان آن‌ها، به ترتیب زمانی فرا می‌گرفتند. باید دانست که قرآن کریم به یک‌صورت، از جانب خداوند به پیامبر(ص) نازل شده است، ولی مسلمین در طرز قرائت قرآن در مواردی چند با هم اختلاف پیدا می‌کردند.

ریشه آن را می‌توان اختلاف قرائت نبی اکرم(ص)، تنوع و اختلاف تقریر و تأیید نبی اکرم(ص)، اختلاف روایت و نقل صحابه، عاری بودن مصاحف اولیه از اعراب و نقطه، تأثیر لهجه‌ها و... دانست. مرجع تمام عوامل یاد شده که مصادر و منابع اختلاف قرائت را تشکیل می‌دهد، فعل و تقریر و تأیید نبی اکرم(ص) است و مأخذ اختلاف اصحاب، قرائت خود

علم قرائت از مهم‌ترین شاخه‌های علوم قرآنی محسوب می‌شود. هدف این علم، تعیین قرائت صحیح از میان قرائت قاریان قرآن کریم است. اختلاف قرائت قرآن به دوران صحابه برمی‌گردد.

در عصر تابعین، گروه خاصی در زمینه قرائت قرآن تبحر یافتند و از قاریان مشتهر شمرده شدند. ابن کثیر نیز در زمره قراء مشهور شمرده می‌شود که قرائتش اختلاف اندکی با قرائت سایر قاریان مشهور دارد. در این مقاله، قرائت ابن کثیر بررسی و علت اختلاف قرائتی او تبیین خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اختلاف قرائت، ابن کثیر

درآمد

قرآن کریم، توسط جبرئیل امین بر قلب پاک پیامبر اسلام(ص) نزول یافت. همت پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان صدر اسلام بر آن بود که عین الفاظ قرآن را بدون هیچ زیاده

آن حضرت (حجتی، ۱۳۸۵: ۱۲۴). پس به‌طور کلی، اختلاف به راویان و قاریان قرآن برمی‌گردد؛ چون روایت صحابه از پیامبر (ص) درباره‌ی بعضی از الفاظ قرآن و کیفیت حروف و ادای آن‌ها به طریق مختلف صورت گرفته و این اختلافات به وسیله‌ی قراء نقل شده و ادامه یافته است. به هر حال، علم قرائت از قرن دوم به بعد، به رشته‌ی تحریر درآمد. در اواخر قرن سوم هجری، ابن‌مجاهد که شیخ‌القراء بغداد به‌شمار می‌رفت، با این اعتقاد که قرائت‌های فاقد سند و روایت بدعت‌اند، درصدد جداسازی قرائت مشهور از شاذ برآمد و به این منظور، کتاب السبعة و کتاب دیگری درباره‌ی قرائت الشاذه را تدوین کرد. او در تدوین کتاب السبعة، هفت قرائت مشهور را که در آغاز سده‌ی چهارم هجری در بلاد اسلامی به‌عنوان قرائت بلد رواج داشت، همراه با سندهای آن‌ها تحت عنوان قرائت‌های مشهور و متواتر، گرد هم آورد.

او در این کتاب قرائت‌های روایت‌شده از نافع مدنی و ابن‌کثیر مکی، ابن‌عمر دمشقی و عاصم کوفی را به‌عنوان قرائت‌های اختصاصی بلاد مدینه و مکه، بصره و شام و کوفه، با شرح و بسط کافی فراهم آورد. ابن‌کار ابن‌مجاهد، محافل قرآنی را کاملاً تحت تأثیر قرار داد. علما معتقدند که علت اتفاق مردم در مورد این قرائت، به‌اهتمام ویژه‌ی این قاریان به قرائت قرآن کریم و برخورداری از دانش فزون‌تر نسبت به قاریان دیگر و نیز به این دلیل است که قرائت ابن‌قاریان به صورت لفظی و سماعی به‌طرز مسند به دست آمده است (مجمع‌البیان، ج: ۱، ۲۵).

کلیات

مفردۀ ابن‌کثیر

عبدالله‌بن‌کثیر با کنیه‌های ابامعبد، ابابکر، اباعباد، از قاریان دوره‌ی تابعین محسوب می‌شود. در سال ۴۵ ه. ق. متولد و در سال ۱۲۰ ه. ق. در مکه وفات یافت. او سنی و ایرانی‌الاصل بوده و گفته شده است که از اولاد ایرانیانی بوده که انوشیروان آن‌ها را به یمن فرستاد تا حکومت را از حبشیان بگیرند و به سیف‌بن‌ذی‌یزن که به تظلم به دربار انوشیروان آمده بودند، بسپارند.

در مورد شکل ظاهری او نقل شده که مردی سال‌خورده، فصیح و بلیغ، دارای محاسنی سفید و بلند، چهره‌ای گندمگون و جثه و هیكلی قوی و بسیار سنگین و باوقار بوده و شغلش در مکه قضاوت بوده است. او امام و پیشوای مردم مکه در علم قرائت بوده که کسی با او برابر نبوده است و از عبدالله مخزومی، صحابه‌ی پیغمبر (ص) و مجاهدبن‌جبر مخزومی و علی‌بن‌عباس تعلیم گرفته و ابن‌عباس نیز از علی (ع) قرائت

را آموخته بوده است (مجموعه آثار / ۱۴ / ۳۹۷؛ تاریخ‌القرآن / ۱۴۶؛ معرفه‌القراء الکبار / ۸۶ / ۱).

هم‌عصران او به علم و فضل او شهادت داده‌اند و ابن‌عینیّه گفته است، در مکه احدی جز حمیدبن‌قیس و عبدالله‌بن‌کثیر قرآن را قرائت نمی‌کرد و از حمادبن‌سلم روایت شده است که اباعمر بن‌علاء می‌گفت، ابن‌کثیر، ثقه بود و جریر بن‌حازم می‌گفت او فصیح به قرآن بوده است (علم‌القرات / ۱۸۰). علی‌بن‌مدینی نیز در مورد او گفته است که ابن‌کثیر مورد اعتماد و وثوق است. ابن‌سعد نیز او را توثیق می‌کند و سپس می‌گوید، نظر ابوعمر دانی این است که او قرائت را از عبدالله‌بن‌سائب مخزومی فرا گرفته، ولی مشهور این است که او قرائت را از مجاهد یاد گرفته (البیان / ۲۱۷ / ۱).

بخاری و مسلم در صحیحین از وی نقل حدیث کرده و شافعی نیز درباره‌ی قرائت وی مطالبی نقل کرده و او را ستوده است. چنان‌که گفته شد، او از تابعین بوده و از جمع صحابه، عبدالله‌بن‌زبیر و انس‌بن‌مالک و ابا ایوب انصاری را درک کرده است (تاریخ‌القرآن / ۱۴۶؛ مناهل‌العرفان / ۱ / ۳۲۰).

راویان ابن‌کثیر

ابن‌ندیم در میان راویان قرائت ابن‌کثیر از افرادی مانند بزّی، قنبل، اسماعیل‌بن‌عبدالله قسطنطین و مولی‌عاص‌بن‌هشام نام برده (الفهرست / ۴۳) ولی قرائت او توسط بزّی و قنبل رواج یافته است.

استادان ابن‌کثیر

در مورد رجال و استادان ابن‌کثیر گفته شده است که عبدالله‌بن‌سائب مخزومی صحابی پیامبر و مجاهدبن‌جبر ابوالحجاج مولی‌قیس‌بن‌سائب و درباس مولی‌ابن‌عباس بوده است؛ بدین‌صورت که عبدالله‌بن‌کثیر قرآن را از ابی‌بن‌کعب و مجاهد و درباس از ابی‌عباس و او نیز از ابی‌بن‌کعب و زیدبن‌ثابت و آن‌ها نیز از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند (قرائت‌های هفت‌گانه / ۱۳؛ آراء حول‌القرآن / ۳۴).

منشأ اختلاف قرائت به تعدد

نزول قرآن برنمی‌گردد بلکه تعدد

راویان قرائت منشأ اختلاف است.

راویانی که به علی مانند اختلاف

لهجه و زبان، یا از روی اشتباه قرآن را به

گونه‌های مختلف و متفاوت با قرائت

اصلی می‌خواندند



اسناد قرائت ابن کثیر

ایها الذین» و «قالوا آمنا» (قرائت‌های هفت‌گانه/ ۳۵؛ النشر/ ۱ / ۳۱۳-۳۱۶؛ سراج‌القاری/ ۶۸).

روش قرائت ابن کثیر در ذکر دو همزه کنار هم

ابن کثیر در هنگامی که دو همزه با هم مفتوح باشند، مانند کلمات «أَنْذِرْتَهُمْ» و «أَسْجِد»، دومی را تسهیل کرده است، بدون اینکه میان دو همزه الف داخل کند (سراج‌القاری/ ۸۱ و قرائت‌های هفت‌گانه/ ۳۷ و النشر/ ۸۵). و هرگاه دو همزه مجاور، یکی مفتوح و دیگری مضموم باشد، قالون بین آن‌ها الف وارد می‌کند. او زمانی که دو همزه مجاور از دو کلمه با هم مفتوح باشند، قالون و بزی همزه اول را حذف می‌کنند و هرگاه دو همزه مجاور از دو کلمه با هم مکسور باشند، مثل «مِنَ النَّسَاءِ».

قرائت ابن کثیر در ذکر اظهار و ادغام حروف ساکن

ابن کثیر در تلفظ حرف دال «قد» نزد حروف «ج-س-ش-ص-ز-ذ-ض-ظ» در کلماتی نظیر «لقد زینا» و «فقد ظلم» و... آن را اظهار کرده است (قرائت‌های هفت‌گانه/ ۵۱) و در مورد ادغام و اظهار حرف تاء متصل به فعل نزد حروف «ج-س-ص-ز-ث-ظ» در کلماتی نظیر «كذبت ثمود»، حرف تاء تأنیث متصل به فعل را اظهار کرده است. این قاری حرف ذال ساکن کلمات «أخذتم و لاتخذت» و کلماتی نظیر آن را و حرف تاء ساکن کلمه «یهلث ذلک» را اظهار کرده و در قرائت «رکب معنا» و «یعبذ من» هر دو وجه ادغام و اظهار از او نقل شده است.

روش ابن کثیر در بیان اماله

او و روایانش در هیچ‌جا اماله کبری یا تقلیل ندارند (قرائت‌های هفت‌گانه/ ۵۵-۵۹، النشر/ ۱۳۹/۲، سراج‌القاری/ ۱۳۰).

روش ابن کثیر و روایان او در وقف بر رسم الخط

ابو عمرو دانسی در این مورد اظهار می‌کند که روش قرائت ابن کثیر نیز مانند قاریان دیگر، وقف بر مصحف است و قرائت «هاء» در کلماتی نظیر نعمت و امرات و... به شکل «هاء» نغمه و امراه، قیاس در قرائت ابن کثیر است؛ زیرا حسن‌بن حباب از بزی در مورد وقف بر کلمه «ثمرت من اکمامها» پرسید و او جواب داد به شکل هاء ثمره وقف می‌شود (قرائت‌های هفت‌گانه/ ۷۱).

روش ابن کثیر در قرائت یاء‌های زائد

در هر یائی که بعد از آن همزه مفتوح آمده باشد، ابن کثیر سه حرف یاء را در سوره بقره، آیه ۱۵۲ در کلمه «فأذکرونی اذکرکم»، در سوره غافر کلمه «ذرونی اقتل» و «ادعونی استجب» به فتح یاء خوانده و اصل قرائت خود را در هر دو

اسناد قرائت ابن کثیر عبارت است از: ابن کثیر از عبدالله بن سائب مخزومی و مجاهد بن جبر و درباس مولی‌ابن عباس و عبدالله بن سائب مخزومی از ابی بن کعب و مجاهد و درباس از ابی‌عباس و او از ابی‌بن کعب و زیدبن ثابت و این دو از پیامبر (ص) اخذ و نقل کرده‌اند (قرائت‌های هفت‌گانه/ ۱۱). بنا به نقل دیگری، او از عبدالله بن سائب مخزومی و ابن عباس و ابن عباس از علی (ع) علم قرائت را آموخته است (سرالبیان/ ۵۷).

بررسی روش اصول قرائتی ابن کثیر

روش ابن کثیر در قرائت استعاذه و بسمله

در مورد استعاذه، از ابن کثیر سخن صریحی مبنی بر چهار و مخفی خواندن آن نرسیده است. در مورد بسمله، ابن کثیر بین دو سوره در تمام قرآن، به استثنای دو سوره انفال و براءت، بسم‌الله الرحمن الرحیم را قرائت کرده است (قرائت‌های هفت‌گانه/ ۲۱). او در قطع و وصل بسم‌الله الرحمن الرحیم به سوره ماقبل یا مابعد، به وصل از آخر سوره سابق به اول سوره لاحق قائل بوده است (سرالبیان فی علم القرآن/ ۲۶۶).

قرائت‌های ابن کثیر در هاء کنایه

ابن کثیر «هاء» کنایه را اگر مضموم و حرف پیش از آن ساکن باشد، به حرف «یاء» صلّه می‌دهد؛ چه حرف پیش از آن صحیح و چه معتل باشد. وی هنگامی که بر این حرف وقف می‌کند، صلّه را که زائد و فرع بر حرکت ضمیر است، حذف و آن را ساکن می‌کند، مانند «عَقَلُو هُو» و صلّه هاء ضمیر مکسور مانند «لِإِخِيهِ» (النشر/ ۱ / ۳۰۵، سراج‌القاری/ ۶۲).

قرائت‌های ابن کثیر در چگونگی مد و وقف

در رعایت مد یا رعایت نکردن آن روایت شده است که ابن کثیر مانند قاریان دیگر، در قرائت همزه به همراه حرف مد و لین، وقتی در یک کلمه باشد، رعایت مد را کرده و کوتاه‌ترین مد را می‌آورده است (دو حرکت) و زمانی که همزه اولین حرف کلمه دوم و حرف مد آخرین حرف کلمه دیگر باشد، مد را کوتاه و به قصر خوانده و بر آن غیر از مقداری که بدون آن مد طبیعی به وجود نمی‌آید، نمی‌افزایند؛ مانند کلمات «یا

قاریان قرآن کریم در قرائت قرآن کریم برخی واژه‌ها را به صورت متداول در قبیلۀ خویش و با لهجۀ خود قرائت می‌کردند. لذا اختلاف قرائت در وجوه آدا به علت اختلاف لغات و لهجۀ خاص قبیلۀ ابن کثیر است





علت اصلی اختلاف قرائات در شکل کلمات، ابتدایی بودن خط و نیز بی نقطه بودن حروف قرآن کریم است. برای مثال، کلمه «بشراً» در آیه ۵۷ سوره اعراف که ابن کثیر آن را «نُشراً» قرائت کرده است

ابن کثیر نشان می‌دهد که قرائت ابن کثیر نیز در برخی موارد با قرائت قاریان دیگر تفاوت دارد.

انواع اختلاف قرائت ابن کثیر

با بررسی قرائت ابن کثیر می‌توان انواع اختلاف قرائات ابن کثیر را به صورت زیر تقسیم کرد:

اختلاف قرائات در وجوه آداء مانند اختلاف در اماله و تسهیل و ادغام و ترقیق بعض الحروف (و خاصه الراء) و تغلیظ حروف دیگر، الهمز و عدم آن، مخارج حروف یا اظهار ذال نزد تمامی حروف شش گانه ت-ج-د-ذ-س-ص) یا اظهار دال نزد حروف هشت گانه ج-ذ-ز-س-ش-ص-ض-ظ).

ابن کثیر در آیه ۱۵ سوره حجر: «لَقَالُوا إِنَّمَا سَكْرَاتُ أَبْصَارِنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ» عبارت «انما سكرت» را به تخفیف کاف و کلمه هذان در آیه «قالوا ان هذان لساحران يريدان ان يخرجاكم من ارضكم بسحرهما...» (طه/ ۶۳) را با تشدید نون قرائت کرده است.

اختلاف قرائات در شکل کلمات

ابن کثیر در تمام قرآن کریم، واژه «صراط» را به «س» قرائت کرده است. همچنین واژه «هزوا» را در آیه ۵۷ مانده «اذا ناديتم الي الصلاة اتخذوها هزواً ولعباً ذلك بانهم قوم لا يعقلون»، هزءاً قرائت کرده است.

اختلاف در زیاده و نقصان

ابن کثیر کلمه «دَرَسَتْ» را در آیه ۱۰۵ سوره انعام «و كذلك نصرّف الآيات و ليقولوا دَرَسَتْ و لنبيّنه لقوم يعلمون» با الف و فتح تاء (دارسَتْ) قرائت کرده است. همچنین مانند کوفیون، کلمه «لسحر مبین» را در آیه ۲ سوره یونس «انّ هذا لساحر مبین» با الف خوانده است و دیگران لسحر را بدون الف خوانده‌اند.

او واژه «قل» را در آیه ۹۳ سوره اسراء: «قل سبحان ربّي هل كنت الا بشراً رسولاً» با الف به صورت قال قرائت کرده است. کلمه «یدافع» را در سوره حج «انّ الله یدافع عن الذین آمنوا» با فتح یاء و فاء و سکون دال و بدون الف و دیگران با ضم یا و فتح دال و افزودن الف بعد از آن و کسر فاء قرائت کرده‌اند.

روایتش در ده جا نقض و حرف یاء را در آن‌ها ساکن کرده است. ابن کثیر در پنج مورد حرف یاء را فتحه داده است. در کلمه «محيای» در آیه ۱۶۲ سوره انعام و در «من ورائی» آیه ۵ سوره مریم و «مالی» آیه ۲۰ سوره نمل و در «این شرکائی» آیه ۴۷ سوره فصلت (قرائت‌های هفت گانه / ۷۸).

خصوصیات قرائت ابن کثیر

با مطالعه قرائت‌های منقول از ابن کثیر، می‌توان به خصوصیات زیر اشاره داشت:

۱. تخفیف و تسهیل همزه؛ ۲. اجتناب از اماله؛ ۳. اظهار دال و ذال در مواضع ادغام متقاربین؛ ۴. وصل هاء کنایه با اشباع ضمه و کسره؛ ۵. اسماء اشاره وصل ضمیر «هم» پس از حروف جر به ضمّ میم و اشباع آن؛ ۶. تلفظ خاص؛ ۷. اختیار وزن‌های ساکن‌العین در غالب موارد به جای وزن‌های متحرک‌العین مانند تریح مِیْت و صَیْق به تخفیف عین بر تشدید آن؛ ۸. ترجیح وزن فَعْل بر فاعل ر مورد اسماء مهموز‌العین؛ ۹. اضافه کردن ه ساکن هنگام وقف بر کلماتی نظیر لم، بم، عم که حرف جر بر سر ما آمده و الف آن حذف شده است؛ ۱۰. نداشتن اماله کبری یا تقلیل بین بین؛ ۱۱. تلفظ «ی» حذف شده در رسم‌الخط در مواردی چند مانند یدع‌الداع الی که او یدع‌الداعی الی می‌خواند؛ ۱۲. به قصر خواندن مد منفصل به عنوان نمونه؛ ۱۳. خواندن بنا بر اصل کلماتی که در رسم‌الخط به گونه دیگر نوشته شده است، مانند بصطه که اصل آن با سین است و چون قرآن‌های صدر اسلام با صاد نوشته شده است، به همان صورت باقی مانده و در بعضی قرآن‌ها حرف (س) در بالا یا زیر آن گذارده شده تا خواننده متوجه شود که اصل آن با سین بوده و ابن کثیر بنا بر اصل، با سین خوانده است (سرالبیان / ۵۱).

بررسی اختلاف قرائتی ابن کثیر

بنا به تحقیق علمای قرآن پژوه، در بیشتر آیات قرآنی اختلاف قرائتی وجود ندارد و برحسب آمار ارائه شده، حدود یک‌چهارم حروف قرآن مورد اختلاف است (لسانی فشارکی: ۱۶۸). دکتر صبحی صالح معتقد است، پدیده اختلاف در قرائت، در عهد رسالت پیامبر اکرم (ص) ظاهر شد و آن حضرت به دلایل حکیمانه‌ای راه آن را باز گذاشتند، ولی قرائت‌های گوناگون هیچ‌گاه به‌عنوان قرآن و قرائت پیامبر اکرم (ص) شناخته و ثبت نشدند (همان: ۱۵۸). بنابراین، منشأ اختلاف قرائت به تعدد نزول قرآن بر نمی‌گردد، بلکه تعدد راویان قرائت منشأ اختلاف است؛ راویانی که به علی مانند اختلاف لهجه و زبان، یا از روی اشتباه و... قرآن را مختلف و متفاوت با قرائت اصلی می‌خواندند. بررسی قرائت

علت دیگر اختلاف قرائات در اعراب، عاری بودن مصاحف عثمانی از علامه و حرکات است. علت اختلاف قرائت ابن کثیر در وزن افعال و در جمع و تذکیر و تأنیث، به عاری بودن مصاحف عثمانی از حرکات مربوط می شود



اختلاف قرائات در وزن افعال و در جمع و تذکیر و تأنیث

ابن کثیر و ابو عمرو برخلاف دیگران، کلمه «أَنْ يُعْمَرُوا» را در آیه ۷ سوره توبه «ما كان للمشركين ان يعمرؤا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم و فی النار هم خالدون» به صیغه مفرد و دیگران به صیغه جمع قرائت کرده اند.

اختلاف قرائات در اعراب

ابن کثیر حرف میم جمع را مضموم خوانده و به حرف واو وصل کرده است. مثلاً در آیه «اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین»، به صورت زیر قرائت کرده است:

«علیهم غیر المغضوب» یا در آیه «حملته امه کرها و وضعته کرها» (الأحقاف / ۵) ابن کثیر برخلاف جمهور آن را به فتح کاف (طبق لهجه حجاز) قرائت کرده است.

ابن کثیر برخلاف دیگران کلمه «اذ یغشیکم» را در آیه ۱۱ سوره انفال «اذ یغشیکم النعاس امنه منه و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یدهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام» به فتح پاء و شین و الف بعد از آن (اذ یغشیکم) و کلمه النعاس را به نصب و دیگران نیز آن را به نصب قرائت کرده اند. همچنین او و ابو عمرو کلمه «بالعدوة» را در دو جا به کسر عین و دیگران با ضمن آن خوانده اند: «اذ انتم بالعدوة الدنيا و هم بالعدوة القصوی» (انفال / ۴۲).



۹۶) به ضم صاد و دال قرائت کرده است. ابن کثیر همانند کسائی و ابو عمرو، کلمه «السُّحْت» را در آیات ۶۲ و ۶۳ «لو لاینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السُّحْت لبئس ما کانوا یصنعون» (مائده / ۴۲) به ضم حاء و دیگران با سکون حاء قرائت کرده اند.

ابن کثیر کلمه «قَطَعاً مِنَ اللیل» را در آیه یونس ۲۷ «کأنما اغشیت وجوههم قطعاً من اللیل مظلماً» به سکون طاء و دیگران به فتح طاء خوانده اند. در حالی که قاریان دیگر کلمه «اتی لکم نذیر» را در سوره هود، آیه ۲۵ «و لقد ارسلنا نوحا الی قومه انی لکم نذیر مبین» به کسر همزه خوانده اند. ابن کثیر و ابو عمرو و کسایی به فتح همزه قرائت کرده اند. او کلمه «ضیق» را در سوره نحل «و لا تک فی ضیق مما یمکرون» و هم در سوره نمل آیه ۷۰ به کسر ضاد خوانده است و دیگران به فتح ضاد خوانده اند.

او کلمه کان خطا «ان قتلهم کان خطئاً کبیراً» (اسراء / ۳۱) را به کسر خاء و فتح طاء همراه با مد (کان خطاء) قرائت کرده است.

او کلمه «من تحتها» را در سوره مریم «فنادها من تحتها الا تحزنی» (مریم / ۲۴) به فتح نون و کلمه «خیر مقاما» را در آیه هفتاد و سوم «قال الذین کفروا للذین آمنوا ای الفریقین خیر مقاما و احسن ندیا» به ضم میم قرائت کرده است. ابن کثیر کلمه «انی انا ربک» در آیه ۱۲ سوره طه «انی انا ربک فاخلع نعلیک» را به فتح همزه و دیگران به کسر همزه قرائت کرده اند.

اختلاف در غایب و مخاطب خواندن فعل ها

مانند «تسیر الجبال» در آیه ۴۷ سوره کهف که ابن کثیر آن را به صورت «تسیر الجبال» قرائت می کرد. در قرائت، کلمه تظلمون در آیه ۷۷ سوره بقره «والآخره خیر لمن اتقی و لا تظلمون فتیلاً» را برخلاف دیگران، با یاء (ولا یظلمون فتیلاً) خوانده است.

ابن کثیر کلمه «آیات» را در سوره یوسف «لقد کان فی یوسف و اخوته آیات للساتلین» به صیغه مفرد قرائت کرده است. او در آیه ۹۱ سوره انعام «جاء به موسی نوراً و هدی للناس تجعلونه قراطیس» را در سه کلمه با یاء به صورت «یجعلونه قراطیس یبدونها و یخفون» و دیگران با تاء خوانده اند.

عوامل و علل اختلاف قرائت ابن کثیر

مسلم است که قرآن کریم بیشتر از یک نزول نداشته و اختلاف قرائات در نتیجه تأثیر عوامل گوناگون به وجود آمده است. بررسی قرائت ابن کثیر نشان می دهد که برخی عوامل اختلاف قرائت او عبارت اند از:

او «بیــــن الصّدقین» را در آیه «حتی اذا ساوی بین الصّدقین» (کهف/

اختلاف لهجه

قاریان قرآن کریم در قرائت قرآن کریم برخی واژه‌ها را به صورت متداول در قبیله خویش و با لهجه خود قرائت می‌کردند. لذا اختلاف قرائت در وجوه ادا به علت اختلاف لغات و لهجه خاص قبیله ابن کثیر است. همچنین، یکی از علل اختلاف قرائت در اعراب، اختلاف لهجه است؛ مانند مضموم خواندن حرف میمی که برای جمع است و وصل آن به حرف واو، مثل علیهم غیرالمغضوب یا در آیه حملته امه کرها و وضعته کرها (الأحقاف/ ۵). ابن کثیر برخلاف جمهور، آن را به فتح کاف (طبق لهجه حجاز) قرائت می‌کرد.

ابتدایی بودن خط

می‌توان گفت که علت اصلی اختلاف قرائت در شکل کلمات، ابتدایی بودن خط و نیز بی‌نقطه بودن حروف قرآن کریم است. برای مثال، کلمه «بشراً» در آیه ۵۷ سوره اعراف را ابن کثیر «تُشراً» قرائت کرده است.

عاری بودن مصاحف عثمانی از علائم و حرکات

علت دیگر اختلاف قرائت در اعراب، عاری بودن مصاحف عثمانی از علائم و حرکات است. علت اختلاف قرائت ابن کثیر در وزن افعال و در جمع و تذکیر و تأنیث، به عاری بودن مصاحف عثمانی از حرکات مربوط می‌شود.

عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه

عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه، از عواملی است که منشأ اختلاف قرائت قرآن شد. اختلاف در غایب و مخاطب خواندن فعل‌ها در قرائت ابن کثیر مانند «تَسیر الجبال» در آیه ۴۷ سوره کهف که ابن کثیر آن را به صورت «تَسیر الجبال» قرائت می‌کرد، به عاری بودن مصاحف عثمانی از نقطه برمی‌گردد.

نبودن الف در کلمات در مصاحف عثمانی

چون قرآن کریم در ابتدا با خط کوفی نگاشته می‌شد، الف‌های وسط کلمه را نمی‌نوشتند. بعدها که علائم مشخصه ایجاد شد، الف را صرفاً با علامت الف کوچک در بالای کلمه مشخص می‌ساختند. این امر سبب اختلافاتی نظیر زیاده و نقصان خواندن حروف شد که در قرائت ابن کثیر علت اختلافاتی نظیر اختلاف قرائت کلمه «درست» در آیه ۱۰۵ سوره انعام: «و کذلک نصر الف آیات و ليقولوا درست و لنبینة لقوم یعلمون» که با الف و فتح تاء (داست) قرائت شده، از این قبیل است.

نتیجه‌گیری

فرجام سخن آنکه عبدالله ابن کثیر مکی، مشهور به ابومعبد، یکی از قاریان مشهور عصر تابعان است. قرائت او اختلاف اندکی با قاریان دیگر دارد. با بررسی و مطالعه موارد اختلاف قرائت ابن کثیر با قاریان دیگر، مشاهده می‌شود که عمده این موارد، به معنا ضربه‌ای نمی‌زنند، چنان‌که در این تحقیق بیان شد، موارد اختلاف او عبارت‌اند از:

۱. اختلاف قرائت در وجوه ادا؛
۲. اختلاف قرائت در شکل کلمات؛
۳. اختلاف قرائت در وزن افعال و در جمع و تذکیر و تأنیث؛
۴. اختلاف در غایب و مخاطب خواندن فعل‌ها؛

۶. اختلاف در زیاده و نقصان کلمات قرآن. در نهایت، می‌توان گفت اختلافات قرائتی ابن کثیر با قراء دیگر معدود است که این اختلافات به‌طور کلی در این تحقیق بررسی شده است و عمده این اختلافات از طریق نقل و روایت به ابن کثیر رسیده و در موارد اندکی ابن کثیر از میان قرائت‌های نقل شده، دست به اختیار زده و در موارد معدودی اجتهاد کرده است. عوامل اختلاف قرائتی او عبارت‌اند از: اختلاف لهجه‌ها، عاری بودن مصاحف عثمانی از حرکات و نقطه و نبودن الف در کلمات.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن جزری، محمد بن محمد: النشر فی القرائات العشر، به کوشش علی محمد صباغ، قاهره.
۳. ابن جزری، محمد: غایب النهایه، به کوشش برگستر سر. قاهره. ۱۳۵۱ق/ ۱۹۳۲م.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد: تهذیب‌التهذیب. حیدرآباد. ۱۹۰۴.
۵. ابن فاصح، علی: سراج القاری المبتدی، بیروت، دارالفکر.
۶. آل اسماعیل، نبیل بن محمد: علم القرائات، داره الملک عبدالعزیز، ۱۳۲۴هـ.
۷. بیگلری، حاج حسن: سرالبین فی علم القرآن، انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۶۶.
۸. زرقانی، عبدالعظیم: مناهل العرفان، دارالاحیاءالکتب العربیه.
۹. زنجانی، ابوعبدالله: ترجمه تاریخ القرآن، بی‌جا.
۱۰. دانی، عثمان بن سعید: التیسیر فی القرائات السبع، ترجمه محمدرضا حاجی اسماعیلی، انتشارات سروش، ۱۳۸۳.
۱۱. خونی، ابوالقاسم: البیان فی علوم القرآن، ترجمه محمدصادق نجمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، ۱۳۷۵.
۱۲. حموده، عبدالوهاب: القرات واللہجات، مکتبه النهضه البصریه، ۱۳۶۸ق.
۱۳. حجتی، محمدباقر: پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۴. سیوطی: جلال‌الدین عبدالرحمان، قم، ۱۴۱۱.
۱۵. شاطبی، ابوالقاسم: الشاطبیه، به شرح و کوشش علی محمد صباغ، قاهره. مکتبه محمدعلی، ۴۴۴.
۱۶. حموده، عبدالوهاب: القرات واللہجات، مکتبه النهضه البصریه، ۱۳۶۸ق.
۱۷. ذہبی، شمس‌الدین: معرفت القراء الکبار، مؤسسه الرساله بیروت.
۱۸. فانی اصفهانی، سیدعلی: آراء حول القرآن، قم، ۱۳۹۹ق.
۱۹. مولایی، ابراهیم: تهذیب القراء، انتشارات کعبه، ۴۴۴.
۲۰. مختار عمر، احمد: معجم القرائات القرآنیه، انتشارات اسوه، ۴۴۴.
۲۱. مطهری، مرتضی: مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۴۴۴.

